

بررسی تاریخ و متن دعای «عدیله»

رسول عطایی^۱

چکیده

دعای عدیله یکی از دعا‌های نسبتاً معروف است. برخی، خواندن این دعا را برای حفظ و تثبیت ایمان و در امان ماندن از فراموشی عقاید در هنگام مرگ، توصیه کرده‌اند. متن دعای عدیله توسط شیخ عباس قمی در کتاب «مفاتیح الجنان» آمده و در کتاب «مفتاح الجنان» نیز با عنوان «دعاء العدیلة الکبیر» وجود دارد. کاربرد و شهرت این دعا در میان مردم از یکسو و وجودداشتن تحقیقی مستند در رابطه با سند و متن آن از سوی دیگر، اعتبارسنجی این دعا را ضروری می‌کند. هدف از این پژوهش، تبیین جایگاه دعای عدیله در منابع روایی شیعه است. نوشته حاضر برای نخستین بار با منبع‌یابی، سندشناسی، بررسی محتوایی، طرح دیدگاه‌های گوناگون و ارزیابی این دعا با برخی ملاک‌های موجود در پذیرش متون حدیثی، به اعتبارسنجی آن پرداخته است.

واژگان کلیدی

العدیلة الکبیرة، دعای هنگام مرگ، دعای عقاید، مفتاح الجنان، نقد الحدیث، معارف حدیث

دعا، موهبتی الهی در زندگی انسان است. چنانچه از امام سجّاد علیه‌السلام نقل شده:

مِنَ اعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ ' اَلْسِتَيْنَا وَ اِذْنُكَ لَنَا
بِدُعَائِكَ.^۲

خداوندا، از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بر ما، جاری‌گشتن یاد تو بر زبان و اجازه به ما برای دعاکردن به درگاه توست.

این گنجینه بی‌پایان که گاه با فضیلت‌ترین^۳ و محبوب‌ترین عبادات^۴ دانسته شده، کلید رحمت الهی است. دعا دارای آثار، برکات و ثواب بسیاری بوده و موجب تأمین خواسته‌های انسان و رفع مشکلات می‌شود؛ از این رو مورد سفارش معصومان علیهم‌السلام و توجّه پیروان ایشان قرار گرفته است. پیروان اهل بیت علیهم‌السلام برای بهره‌مندی هرچه بهتر از این نعمت الهی، همواره دست به دامان ایشان بوده و سعی کرده‌اند معارف بلند دعا را به همراه متن آن از وجود معصومان علیهم‌السلام فرا بگیرند. البته گاه دعاهایی در برخی کتاب‌ها و بین مردم، رواج می‌یابد که فارغ از اثر داشتن یا نداشتن، ماثور یا غیر ماثور بودنش تحقیق جامعی می‌طلبد.

دعای عدیله از جمله متن‌هایی است که انتساب آن به امام معصوم، محلّ تأمل است. ضرورت نگاشته‌ی پیش رو، سنجش اعتبار و انتساب این دعا به معصومان علیهم‌السلام است. پاسخ به این پرسش‌ها که آیا دعای عدیله در منابع معتبر حدیثی آمده؟ آیا این دعا انشای معصوم بوده یا ساخته غیر معصوم است؟ هدف این نوشتار است. در این موضوع، برخی از نویسندگان، سخنانی کوتاه گفته‌اند که می‌توان به آقا بزرگ تهرانی در «الذریعة»، شیخ عباس قمی در «مفاتیح الجنان» و سید اعجاز حسین در «کشف الحجب و الاستار» اشاره کرد. نوشته کنونی برای نخستین بار دعای عدیله را به صورت جامع، اعتبارسنجی می‌کند. در این مقاله، پس از معرفی دعا، منبع‌شناسی آن در متون روایی و کتاب‌های دعای شیعه و سنی انجام شده

۲. بحار النوار، ج ۹۱، ص ۱۵۱.

۳. أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ. (الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶).

۴. أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ. (الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸).

و با طرح دیدگاه‌های علما و اشاره به برخی دعا‌های معروف، ماثور یا غیر ماثور بودن این دعا بررسی شده است.

الف) شناخت دعای عدیله

«عدیله» از ریشه عدل است. از معانی واژه عدل، عدول کردن، متمایل شدن و انصراف می‌باشد.^۵ عدیله به معنای انصراف از حق به باطل، هنگام مرگ است، چنانچه گفته شده:

نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ؛ أَيِ الْعُدُولِ عَنِ الْحَقِّ.^۶

از انحراف هنگام مرگ به تو پناه می‌آوریم؛ یعنی انحراف از حق.

برخی می‌گویند:

«عدیله» نام شیطانی است که مردم را وسوسه کرده و آنها را از دین، منصرف می‌کند.^۷

دعای موسوم به عدیله، دعایی است که به خواندن آن هنگام مرگ سفارش شده تا خواننده، از خطر فراموشی عقاید حق و عدول از آن به باطل در امان بماند. این دعا با آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۸ آغاز شده و با اقرار به ضعف و گناه ادامه می‌یابد. سپس شهادت بر وحدانیت خدا و اوصاف مختلف او داده شده؛ آن‌گاه به حکمت بعثت پیامبران علیهم‌السلام و نبوت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامت امامان دوازده‌گانه اشاره می‌شود. شهادت بر حقانیت مرگ، سؤال قبر، روز رستاخیز، صراط و میزان، حساب و کتاب، بهشت و جهنم، مبعوث شدن از قبور و روز قیامت، دیگر مفاهیم این دعا را می‌سازد. پس از آن خواننده با اظهار امید به فضل و رحمت الهی، اندوخته خود را اعتقاد به توحید و عدل خداوند دانسته و شفاعت پیامبر و اهل

۵. ن. کذ العین، ج ۲، ص ۳۹؛ النّهیة، ج ۳، ص ۱۹۱؛ المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۹۶.

۶. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۲۱.

۷. ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۷۸.

۸. آل عمران، ۱۸.

بیت علیهم‌السلام را سرمایه نجات خویش می‌شمرد. در پایان، خواننده، باورهای خود را نزد خداوند به امانت سپرده و طلب رد آن را در هنگام مرگ از خداوند مسئلت می‌کند.

این دعا مشتمل بر اصول اعتقادی مشهور در مذهب شیعه از جمله توحید و لوازم آن و عینیت صفات با ذات الهی، عدل، بعثت پیامبران علیهم‌السلام، حقانیت پیامبر اکرم و دوازده امام صلوات الله علیهم، مهدویت، تأثیر امام بر عوالم وجود، حجیت سخنان و کردار امامان علیهم‌السلام، و جوب طاعت و لزوم محبت اهل بیت علیهم‌السلام، تولی و تبری، شفاعت، مرگ و زندگی پس از آن، سؤال قبر، میزان، صراط و معاد است. از این رو به خواندن دعای عدیله سفارش شده تا اقرار و اعتراف به این عقاید سبب تثبیت این امور در قلب انسان گردد و در لحظه هول‌ناک مرگ از خاطر انسان فراموش نشده و موجب عدول شخص از عقاید حق نشود.

ب) منبع‌یابی دعای عدیله

یکی از مراحل ارزش‌گذاری متون مقدّس، بررسی منابع گزارش‌کننده آن است. گاه ذکر یک حدیث مرسل یا ضعیف السند در منابع حدیثی معتبر و کهن که مورد عنایت عالمان قرار گرفته، سبب تقویت آن حدیث می‌شود. از سوی دیگر توجه‌نکردن نویسندگان منابع اولیه و نیاوردن یک روایت در برخی موارد، می‌تواند حاکی از ضعف و عدم اعتبار آن متن باشد.

دعای عدیله، سرگذشتی این‌چنین دارد. تا جایی که در منابع مختلف شیعه و سنی جست و جو شد، هیچ منبع کهنی این دعا را نیاورده است. حتی در منابع متأخر و کتاب‌های دعای معروف نیز عبارات تلفیق‌یافته این دعا دیده نمی‌شود. متن این دعا تنها در دو کتاب «مفاتیح الجنان»^۹ و «مفتاح الجنان»^{۱۰} آمده است.

۹. مفاتیح الجنان، ص ۱۵۶.

۱۰. مفتاح الجنان، ص ۴۲۲.

۱. کتاب مفتاح الجنان

کتاب «مفتاح الجنان» در خاتمه کتاب «زاد المعاد» علامه مجلسی به چاپ رسیده است. همین امر موجب توهم انتساب این کتاب به علامه مجلسی شده است. آقا بزرگ طهرانی می گوید:

نویسنده این کتاب معلوم نیست ... سید یحیی که در مشهد امام جماعت بود، می گفت: نویسنده آن شیخ اسد الله طهرانی از شاگردان شیخ انصاری است که سال ۱۳۳۳ در مشهد فوت کرد.^{۱۱}

در کتاب «فهرس التراث» درباره نویسنده این کتاب آمده:

از سید یحیی تویسرکانی که در مشهد رضوی زندگی می کرد نقل شده که نویسنده مفتاح الجنان که مکرر، چاپ شده و میان مردم رواج دارد شیخ اسد الله طهرانی حایری است.^{۱۲}

نویسنده «مفتاح الجنان» در این کتاب، تعقیبات نماز، برخی از دعاهای مشهور، زیارت‌های معصومان علیهم السلام و آداب آن، اعمال مساجد، اوراد و اذکار و تعویذات، دعاهایی را برای دفع امراض و مشکلات و ... را گرد آورده است. در این کتاب مطالبی آمده که سند و منبع مشخصی ندارد. صاحب الذریعه می گوید:

مفتاح الجنان، در دعاها و اعمال متعلق به روزها و ماهها و زیارت‌ها و برخی وردها و ختومات است که چندین بار به چاپ رسیده و گردآورنده‌اش ناشناخته است. در این کتاب، برخی از مطالب را آورده که مستند روشنی ندارد، بلکه برخی از مطالب آن قطعا دارای مستند نیست.^{۱۳}

شیخ عباس قمی کتاب «مفتاح الجنان» را مشتمل بر مطالب غیر واقعی دانسته و مستندقراردادن آن را برای نقل دعاها درست نمی‌داند. وی نویسنده کتاب مفتاح الجنان را

۱۱. الذریعه، ج ۱، ص ۳۲۴.
۱۲. فهرس التراث، ج ۲، ص ۲۶۸.
۱۳. الذریعه، ج ۲۱، ص ۳۲۴.

فردی غیر متخصص دانسته^{۱۴} و انگیزه نگارش «مفاتیح الجنان» را جدا کردن مطالب مستند از غیر مستند کتاب «مفتاح الجنان» شمرده است.^{۱۵}

نویسنده «مفتاح الجنان» دعایی را با عنوان «دعاء العدیلة الكبير» بدون هیچ‌گونه سند و انتسابی به معصوم آورده است. برخی فقرات این دعا، در احادیث معصومان علیهم‌السلام وجود دارد اما این ترکیب در هیچ منبعی یافت نشد.

شیخ انصاری در سال ۱۲۸۱ ق فوت کرده و سال وفات شیخ اسد الله طهرانی ۱۳۳۳ ق دانسته شده است. بنابراین قدمت کتاب مفتاح الجنان چیزی حدود ۱۶۰ سال است. همچنین انتساب این اثر به وی ثابت نبوده و هرچند او را انسانی جلیل‌القدر و باتقوا شمرده‌اند؛^{۱۶} اما جایگاه علمی وی ثابت شده نیست.

۲. کتاب مفاتیح الجنان

کتاب «مفاتیح الجنان» نوشته شیخ عباس قمی است. این کتاب، دعا، ذکر، زیارت و آداب مورد نیاز در طول سال را گرد آورده است. نویسنده در چگونگی چینش کتاب می‌نویسد:

نامیدم آن را به مفاتیح الجنان و مرتب گردانیدم آن را بر سه باب؛ باب اول در تعقیب نمازها و دعا‌های ایام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعض ادعیه مشهوره و مناجات خمس عشره و غیرها؛ باب دوم در اعمال ماه‌های سال و فضیلت و اعمال روز نوروز و اعمال ماه‌های رومی؛ باب سیم در زیارات و آنچه مناسب آن باب است.^{۱۷}

در باب یکم «مفاتیح الجنان»، فصلی با این عنوان آغاز می‌شود:

فصل ششم: در ذکر بعض از ادعیه مشهوره^{۱۸}

۱۴. مفاتیح الجنان، ص ۴۳۱.

۱۵. همان، ص ۱۲.

۱۶. فهرس التراث، ج ۲، ص ۲۶۸.

۱۷. همان.

۱۸. همان، ص ۶۰.

در این فصل، دعایی با عنوان «عدیله» بدون ذکر منبع و بدون انتساب به معصوم آمده که کاملاً مشابه دعای «العدیلة الکبیره» در کتاب «مفتاح الجنان» است.

می‌توان گفت دعای عدیله که از آن به «دعاء العدیلة الکبیر» یاد شده، در منابع حدیثی و کتاب‌های دعای شیعه و سنی وجود ندارد. تنها دو کتاب، یکی از نویسندگانی ناشناخته و دیگری نزدیک به دوره معاصر، این دعا را آورده و هیچ‌کدام به سند و انتساب آن به معصوم اشاره‌ای نکرده‌اند.

ج) اعتبارسنجی دعای عدیله

دعای انشاشده از سوی امام معصوم مشتمل بر معارف بلند و مضامین عالی است. دعاهای اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به دیگر احادیث آنها می‌تواند دارای معارفی عالی‌تر باشد؛ زیرا مخاطب ایشان در این سخنان نورانی، خداوند متعال است؛ حال آن‌که در دیگر سخنان، اغلب، مردم، مخاطب معصومان بوده‌اند و به همین خاطر فرموده‌اند:

إِنَّا أَمْرُنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ بِقَدْرِ عُقُولِهِمْ.^{۱۹}

ما گروه پیامبران، مأموریم که با مردم به میزان عقلشان سخن بگوییم.

شیفتگان معارف الهی برای بهره‌ی بیشتر، همواره در تلاش برای دریافت دعا از معصومان علیهم‌السلام بوده‌اند. اما گاه افرادی با ذرهم‌آمیختن برخی دعاها، آیات قرآن و احادیث سعی در ارائه‌ی متنی جدید کرده‌اند. این رفتار در مواردی عدم توجه، بلکه نهی ضمنی اهل بیت علیهم‌السلام را به دنبال داشته است. هنگامی که عبد الرّحیم قصیر خدمت امام صادق علیه‌السلام عرضه می‌دارد:

فدایت شوم، من از پیش خود دعایی ساخته‌ام.

حضرت، اعتنایی به دعای او نکرده و حتی اجازه خواندن دعا را به وی نمی‌دهند و می-

فرمایند:

۱۹. الامالی للطوسی، ص ۴۸۱.

دَعْنِي مِّنْ اخْتِرَاعِكَ. إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ فَافْعَلْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَصَلِّ
رَكَعَتَيْنِ تُهْدِيهِمَا إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ...^{۲۰}

مرا از ساختنات واگذار. هرگاه مشکلی برایت پیش آمد به رسول خدا صلی
الله علیه و آله پناه ببر و دو رکعت نماز بخوان و آن را به رسول خدا صلی
الله علیه و آله هدیه بده ...

دعای عدیله، دعایی است که برخی به انشان شدن آن از سوی معصوم، تصریح کرده و آن
را تألیف بعضی از عالمان دانسته‌اند. در ادامه به بازبینی محتوای این دعا و ارائه دیدگاهی
درباره آن پرداخته و انتساب و عدم انتسابش به معصوم بررسی می‌شود.

۱. بررسی محتوایی

دعای «عدیله» با این نام و ترکیبی که در دو کتاب «مفتاح الجنان» و «مفاتیح الجنان»
آمده، در منابع حدیثی و کتاب‌های دعای فریقین دیده نشد. نویسندگان این دو کتاب اشاره‌ای
به انتساب دعا نکرده‌اند. همین امر می‌تواند نشان‌دهنده عدم اطمینان آنها به صدور این دعا از
معصوم باشد.

از سوی دیگر، بسیاری از عبارات و فرازهای این دعا در آیات، روایات و دعا‌های مأثور آمده
است. با این وصف می‌توان محتوای کلی این دعا را تأیید کرد.

عبارات آغازین این دعا را پس از بسمله، آیه ۱۸ و بخشی از آیه ۱۹ سوره آل عمران
تشکیل می‌دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ
الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ.

۲۰. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۶.

هر کدام از این آیات به تنهایی در متن بسیاری از دعاهای رسیده از معصومان علیهم السلام به چشم می‌خورد.^{۲۱} همچنین کنار هم قرار گرفتن این دو آیه در برخی از دعاها دیده می‌شود.^{۲۲} مضامینی از فقرات این دعا را مانند «لَمْ يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ إِلَّا بِقَدْرِ الوُسْعِ وَ الطَّاقَةِ» و «بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ» را می‌توان در آیاتی از قرآن همچون «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^{۲۳} و «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^{۲۴} مشاهده کرد.

این بخش از دعای عدلیه: «يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^{۲۵} که در توصیف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، مشابهت فراوانی در روایات شیعه و سنی دارد؛^{۲۶} برای نمونه:

أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِيِّ، فَإِنَّهُ يُبْعَثُ عَلَيَّ حِينَ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ شَدِيدٍ
يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^{۲۷}

فرازهایی کوتاه از این دعا در دعاهای مشهوری همچون «جوشن کبیر» و «عرفه» دیده می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز چاپ و انتشارات علوم انسانی

۲۱. ن. کذ مصباح المتبهجه، ج ۲، ص ۸۰۷؛ الدعوات، ص ۲۱۱؛ الاقبال، ج ۱، ص ۴۰۸؛ مهج الدعوات، ص ۵؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۷۲.
۲۲. ن. کذ الاقبال، ج ۲، ص ۶۶۰؛ مهج الدعوات، ص ۲۳؛ البلد الامین، ص ۱۰؛ جنة الامان الواقية، ص ۲۳۹ و ۵۳۱؛ مفتاح الفلاح، ص ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۰۴ و ج ۹۲، ص ۶۲.
۲۳. البقرة، ۲۸۶.
۲۴. الحديد، ۲۵.
۲۵. مفتاح الجنان، ص ۴۲۳.
۲۶. ن. کذ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۴۱؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۷۸، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳؛ الامالی للطوسی، ص ۴۲؛ الهدایة الکبری، ص ۱۶۳؛ الفتن، ج ۱، ص ۳۵۸؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۱۶۳؛ المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۳۳؛ الاعتقاد للبيهقي، ج ۱، ص ۲۱۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۰.
۲۷. دلائل الامامة، ص ۴۸۲.

بخش‌هایی از این فراز دعای عدیله: «أَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَالْقَبْرَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ النُّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْكِتَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الثَّوَابَ حَقٌّ وَ الْعِقَابَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ.»^{۲۸} در دعای وصیت که مرحوم کلینی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گزارش کرده^{۲۹} و همچنین در باب نص بر امامت امام رضا علیه‌السلام^{۳۰} و نیز آداب و دعا‌های نقل شده در تلقین و تجهیز میت^{۳۱} موجود است.

دعای عدیله هرچند دارای فرازهایی مطابق با برخی دعاها و عباراتی هم‌مضمون با بعضی از آیات و روایات است، ولی تلفیق این آیات، روایات و دعاها در هیچ منبعی دیده نمی‌شود.

۲. دیدگاه‌ها

یکی از ملاک‌های اعتبار حدیث، اقبال یا اعراض محدثان است. شرح‌نویسی، استناد، استدلال بر پایه حدیث و شهرت آن نزد اصحاب سبب اعتبار نسبی آن می‌شود. عمل اصحاب به مفاد یک حدیث، ضعف احتمالی آن را جبران کرده و سبب تأیید مضمون آن می‌شود. از این رو برای سنجش اعتبار دعای عدیله، دیدگاه دانشمندان بررسی می‌شود.

شیخ طوسی در کتاب رجال خود ذیل ترجمه «احمد بن علویة الاصفهانی» می‌گوید:

تصنیف دعای اعتقاد از آن اوست.^{۳۲}

همچنین نجاشی در رجالش «احمد بن علویة» را صاحب کتابی با عنوان «الاعتقاد فی الادعیة»^{۳۳} می‌داند. مجلسی اوّل (م ۱۰۷۰ق) با نقل این دو قول از شیخ طوسی و نجاشی

۲۸. مفتاح الجنان، ص ۴۲۳.

۲۹. الکافی، ج ۷، ص ۲.

۳۰. همان، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳۱. همان، ج ۳، ص ۲۰۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۲۲؛ الدعوات، ص ۲۷۰.

۳۲. رجال الطوسی، ص ۴۱۲.

۳۳. رجال النجاشی، ص ۸۸.

احتمال می‌دهد که منظور از کتاب اعتقاد، همان دعای عدیله باشد.^{۳۴} مؤید سخن مجلسی، کلام سید اعجاز حسین (م ۱۲۸۶ق) است. وی درباره دعای عدیله می‌گوید:

دعای عدیله از احمد بن جشن علویه اصفهانی است که کتاب الاعتقاد هم نامیده می‌شود. آغاز این دعا چنین است: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.^{۳۵}

آنچه وجود دعایی با نام عدیله را تأیید می‌کند، سخن علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در کتاب‌های «زاد المعاد» و «حلیة المتّقین» است. او در «زاد المعاد» در آداب تجهیز محتضر می‌نویسد:

شایسته است که برای محتضر، دعای عدیله را بخوانند.^{۳۶}

وی در «حلیة المتّقین» در آداب و وظایف برادران و خویشاوندان محتضر می‌گوید:

اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و سایر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهیه و تنزیه خدا، مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او، دعای عدیله را بر او بخوانند.^{۳۷}

ملا خلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ق) در کتاب «الشافی فی شرح الکافی» در تبیین یک اشکال، به

فقره‌ای از دعای عدیله استناد کرده و می‌نویسد:

اگر بگویی که در دعای عدیله چنین آمده است: أَرَاخَ الْعَلَلَ فِي التَّكْلِيفِ وَ سَوَى فِي التَّوْفِيقِ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَ الشَّرِيفِ، مَكَّنَ آدَاءَ الْمَأْمُورِ وَ سَهَّلَ سَبِيلَ اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ...^{۳۸}

۳۴. روضة المتّقین، ج ۱۴، ص ۳۷.

۳۵. كشف الحجب و الاستار، ص ۲۱۴.

۳۶. زاد المعاد، ص ۳۳۴.

۳۷. حلیة المتّقین، ص ۳۴۳.

۳۸. الشافی فی شرح الکافی، ج ۲، ص ۴۸۰.

این سخن ملاً خلیل در تبیین اشکال، در بردارنده بخشی از دعای عدیله بوده و وجود آن را با همین نام در زمان وی ثابت می‌کند.

همچنین در برخی کتب فقهی مانند «العروة الوثقی» و «کتاب الطهارة» آیت الله خویی خواندن دعای عدیله برای محتضر، سفارش شده است.^{۳۹}

در بررسی دیدگاه‌های یادشده، آنچه از سخن نجاشی فهمیده می‌شود آن است که احمد بن علویه، صاحب کتابی با نام «الاعتقاد» مشتمل بر دعا بوده است. همچنین دعای اعتقادی که شیخ طوسی آن را تصنیف احمد بن علویه دانسته، احتمالاً دعای معروف اعتقاد است که سید ابن طاووس در «مهج الدعوات»^{۴۰} آورده و چیزی غیر از دعای عدیله است. از سوی دیگر در هیچ منبعی از دعای عدیله با عنوان دعای اعتقاد یاد نشده است.

صاحب «اعیان الشیعة» ذیل عبارت شیخ طوسی می‌نویسد:

سخن شیخ که می‌گوید: دعای اعتقاد تصنیف احمد بن علویه است؛ بهتر است گفته شود: «کتاب الاعتقاد». ظاهراً این کتاب نزد کفعمی موجود بوده و او از آن در نگاشته‌هایش نقل کرده و در آخر کتاب البلد الامین آن را از مصادر خود شمرده است.^{۴۱}

با در نظر گرفتن سخن نویسنده «اعیان الشیعة» مبنی بر موجود بودن کتاب «الاعتقاد» احمد بن علویه نزد مرحوم کفعمی و نقل از آن در کتاب‌های مختلف وی، اگر دعای عدیله در کتاب «الاعتقاد» وجود می‌داشت و یا همان کتاب «الاعتقاد» می‌بود، باید از سوی کفعمی نقل می‌گردید و یا دست کم اشاره‌ای به آن می‌شد؛ در حالی که او هیچ اشاره‌ای به این دعا و این متن نکرده است. همین امر نشان می‌دهد که از یکسو، کتاب «الاعتقاد» ربطی به دعای عدیله ندارد و از سوی دیگر، این دعا در زمان کفعمی احتمالاً وجود نداشته و یا دست کم مشهور

۳۹. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۹؛ کتاب الطهارة، ج ۸، ص ۳۹.

۴۰. مهج الدعوات، ص ۲۳۳.

۴۱. اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۲.

نبوده است. در حقیقت، احتمال مجلسی اوّل مبنی بر اینکه شاید منظور از دعای اعتقاد، همان دعای عدیله باشد، حدسی بی دلیل است که صاحب «منتهی المقال» آن را مردود می‌شمرد.^{۴۲}

با در نظر گرفتن سخن مجلسی اوّل و ملّا خلیل قزوینی می‌توان وجود و شهرت دعای عدیله را بیش از یک قرن پس از کفعمی، ثابت دانست؛ هرچند در این دوره نیز، متن دعای عدیله نقل نشده تا این‌همانی دعای موجود با دعای یادشده از سوی مجلسی و ملّا خلیل، ثابت شود. در حقیقت، «مفتاح الجنان» نخستین کتابی است که به نقل این متن، مبادرت کرده است.

شیخ عبّاس قمی در کتاب «سفینة البحار»^{۴۳} با اشاره به سخن محدّث نوری می‌نویسد:

شیخ ما که رحمت خدا بر او باد گفت: دعای عدیله معروفه از نوشته‌های برخی از اهل علم بوده و مأثور نیست و در کتاب‌های حاملان حدیث و نقّادان آن موجود نمی‌باشد.^{۴۴}

وی در «مفاتیح الجنان» پس از آوردن دعای عدیله می‌گوید:

و عدیله عند الموت یعنی عدول کردن از حق به باطل در وقت مردن و آن، چنان است که شیطان، نزد محتضر حاضر شود و وسوسه کند و او را در تشکیک اندازد تا آن‌که او را از ایمان بیرون کند و از این جهت است که در دعاها، استعاذه از آن شده و جناب فخر المحقّقین (ره) فرموده که هر که خواهد از آن سالم بماند استحضار کند ادلّه ایمان و اصول خمس را با ادلّه قطعیه و صفای خاطر و بسپرد آن را به حق تعالی که در وقت حضور موت به او رد فرماید به این طریق که بگوید بعد از عقاید حقّه: «اللّٰهُمَّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اِنِّيْ قَدْ اَوْدَعْتُكَ هٰذَا وَ ثَبَاتَ دِيْنِيْ وَ اَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدِعٍ وَ قَدْ اَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَ قَدْ اَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ عَلَيَّ». پس بر حسب فرمایش آن بزرگوار خواندن این دعای شریف عدیله و استحضار معنی آن در خاطر برای سلامت جستن از خطر عدیله عند الموت نافع است.

۴۲. ج ۱، ص ۲۸۴.

۴۳. سفینة البحار، ج ۶، ص ۱۷۸.

۴۴. مستدرک الوسائل (حاشیه)، ج ۱، ص ۹۳.

او سپس سخن میرزای نوری را در ردّ ماثوربودن این دعا یادآور می‌شود.

در بررسی کلام محدّث قمی باید گفت، برداشت ایشان از سخن فخر المحقّقین اعم از نگاشته مرحوم فخر المحقّقین است. در حقیقت، جناب فخر، هیچ اشاره‌ای به نام و متن دعای عدیله نکرده و تنها یادکرد عقاید حقّه را با جمله‌ای در پایان آن که همان هم ماثور نیست، سفارش نموده است.

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در «الذریعة» درباره این دعا می‌گوید:

دعای عدیله که با آیه شهادت تا «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» آغاز می‌شود، انشای برخی از علماست. در این دعا عقاید حقّه را شرح کرده و به حقانیت آن اقرار و تصدیق می‌کند. فصلی از این دعا را دعای وصیت و عهد که کلینی در کافی گزارش کرده، تشکیل می‌دهد و آغاز آن چنین است: «أَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» تا «إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا» همچنین این متن، متضمّن برخی از عبارات دعای اعتقاد که در مهج الدعوات از طریق علی بن مهزیار از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده، می‌باشد. بنابراین دعای عدیله مشهور که با این عبارات ترکیب و ترتیب یافته، ماثور نیست و در کتاب‌های حاملان حدیث به این صورت وجود ندارد. اما فقرات آن از دعاهای دیگر گرفته شده است.^{۴۵}

از مجموع دیدگاه‌های دانشمندان درباره دعای عدیله، به دست می‌آید که این دعا با متن موجود، قدمتی بیش سه سده نداشته و در منابع پیشین، نام و متنی از آن دیده نمی‌شود. هرچند این سخنان، وجود دعای عدیله را در قرن یازدهم ثابت می‌کند ولی متنی از آن در این قرن به چشم نمی‌خورد.

۴۵. الذریعة، ج ۸، ص ۱۹۲.

۳. بررسی قرینه‌ها

اعتبارسنجی یک روایت، با مجموعه‌ای از قراین صورت می‌گیرد. از جمله ملاک‌هایی که در تقویت یا تضعیف یک متن، بررسی می‌شود، قدمت کتاب منبع، شخصیت علمی نویسنده، توجه عالمان به آن متن با نوشتن شرح و تعلیق و شهرت است. از این رو در ادامه، وجود چنین قرآینی بررسی می‌شود.

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در کتاب «الذریعة»^{۴۶} شرح‌های متعددی برای این دعا برمی‌شمرد که عبارت است از:

- السَّعَادَاتُ النَّجْفِيَّةُ فِي شَرْحِ دَعَاءِ الْعَدِيلَةِ از شیخ اسد الله بن محمود جرفادقانی ملقب به ایزدگشسب که در سال ۱۳۰۳ق به دنیا آمد ولی سال وفات وی ذکر نشده است.
- شرح فارسی دعای عدیله، نوشته میرزا ابراهیم حکیم (م حدود ۱۳۵۸ق)
- شرح فارسی دعای عدیله، نوشته مولی حبیب الله بن علی مدد ساوجی کاشانی (م ۱۳۴۰ق) که در سال ۱۳۱۶ق در زمان حیات نویسنده و بار دیگر در سال ۱۳۴۰ق پس از وفات وی چاپ می‌شود.
- شرح عربی دعای عدیله، نوشته مولی علی خداوردی تبریزی که در سال ۱۲۴۶ق از نگارش آن فارغ می‌شود.
- شرح دعای عدیله از میرزا محمد اخباری (م ۱۲۳۲ق)
- شرح دعای عدیله نوشته سید مصطفی ابن سید هادی ابن سید مهدی نقوی (م ۱۳۲۳ق)

همه شش شرح یادشده، در سده‌های اخیر نگارش یافته و ویژگی قدمت را ندارد. همچنین هیچ‌یک از اینها توسط عالمان نامدار نوشته نشده تا نشان‌دهنده توجه بزرگان به این متن باشد. از دیگر سو هیچ‌یک از شرح‌ها، دعای عدیله را به معصومان علیهم‌السلام منتسب نکرده‌اند.

۴۶. الذریعة، ج ۱۳، ص ۲۵۸.

حال با توجه به اینکه متن دعای عدیله، مطابق و هم‌مضمون با آیات و روایات بوده و قرائت آن برای تکمیل ایمان و تثبیت عقاید، مؤثر دانسته شده، می‌توان گفت که خواندن این دعا با هدف یادشده و بدون انتساب به معصومان علیهم‌السلام اشکالی ندارد.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای رسیدن به حقیقت ایمان و تکمیل آن، دعاهایی گزارش شده است. یکی از آنها دعایی است که محمد سلیمان از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند. هنگامی که او از امام صادق علیه‌السلام درباره ایمان می‌پرسد:

فدایت شوم! شیعیانت می‌گویند که ایمان، دوگونه است، استوار و عاریتی. پس چیزی به من بیاموزید که هر گاه آن را بگویم، ایمانم کامل شود.

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ می‌فرماید:

پس از هر نماز واجب بگو: رَضِيتُ بِاللّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَ بِعَلِيٍّ وَ لِيًّا وَ إِمَامًا وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَيْمَةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أَيْمَةً فَارْضَنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^{۴۷}

این دعا در برخی از کتاب‌ها مانند «مفتاح الجنان» پس از دعای عدیله کبیره، با متنی متفاوت اما مشابه به عنوان دعای عدیله صغیره آمده است.

همین دعا در برخی از گزارشات عامّه نیز وارد شده و برای آن آثار متعددی بیان شده است؛ با این تفاوت که بخش مربوط به ائمه را نیآورده‌اند.^{۴۸}

۴۷. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۹.
۴۸. ن. ک: صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۶؛ مسند احمد، ص ۲۰۸؛ مصنف ابن ابی‌شیبّه، ج ۶، ص ۳۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۰۳؛ الدعاء، ص ۱۱۵؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۴۱۰؛ عمل الیوم و اللیلة، ج ۱، ص ۱۳۵؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۱۵۸.

عنوان «عدیله» و استعاذه از آن نیز در برخی از دعاهاى مأثور به چشم می‌خورد. شیخ طوسی در کتاب «مصباح‌المتهجد» دعایی را به این صورت گزارش می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجَعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنْ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَيْشَةً هَنِيئَةً وَمَيِّتَةً سَوِيَّةً وَ مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَ لَا فَاضِحٍ.^{۴۹}

این دعا نیز در منابع اهل سنت نیز دارای متون مشابهی است.^{۵۰}

یکی از دعاهایی که گاهی با دعای عدیله اشتباه شده، دعای «الاعتقاد» است. این دعا را سید ابن طاووس به سند خود در کتاب «مهج الدعوات»^{۵۱} و کفعی در دو کتاب «البلد الامین»^{۵۲} و «جنة الامان الواقية»^{۵۳} از امام موسی کاظم علیه‌السلام نقل می‌کنند. مقایسه بین دعای اعتقاد و دعای عدیله بیان‌گر تفاوت زیاد متنی است. تنها اشتراک این دو متن، اقرار و شهادت به وحدانیت خدا و حقانیت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و وصایت امامان معصوم علیهم‌السلام است که در صدر هر یک با متنی متفاوت بیان شده است.

در فراز آغازین دعای اعتقاد آمده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْرُّ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَ لَا أَجْحَدُ وَ أَسِرُّ وَ أَظْهَرُ وَ أَعْلَنُ وَ أَبْطِنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ قَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ مُبِيرُ الْمُنَافِقِينَ وَ مُجَاهِدُ النَّكَاسِينِ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ إِمَامِي وَ مَحَجَّتِي وَ مَنْ لَا أَتَّقُ بِالْأَعْمَالِ وَ إِنْ زَكَتْ وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي

۴۹. مصباح‌المتهجد، ج ۲، ص ۵۶۴ و نیز ن. کذ ص ۷۹۷؛ اللقبال، ج ۲، ص ۶۳۲؛ زاد المعاد، ص ۲۰.
 ۵۰. ن. کذ الدعوات الكبير، ج ۱، ص ۲۸۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۷۲۵؛ الدعاء، ص ۴۲۴. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۸۱.
 ۵۱. مهج الدعوات، ص ۲۳۳.
 ۵۲. البلد الامین، ص ۳۸۷.
 ۵۳. جنة الامان الواقية، ص ۲۷۸.

وَإِنْ صَلَّحْتَ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْإِيْتِمَامِ بِهِ وَالْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَالْقَبُولِ
 مِنْ حَمَلَتِهَا وَالتَّسْلِيمِ لِرَوَاتِهَا. اللَّهُمَّ وَاقُرُّ بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ
 أَيْمَّةً وَحُجَجًا وَآدِلَةً وَسُرُجًا وَاعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَةً وَأَبْرَارًا وَ
 أَدِينُ بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَحَيْهِمْ وَمَيْتِهِمْ وَ
 شَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ لَا شَكَّ فِي ذَلِكَ وَلَا ارْتِيَابَ وَلَا تَحْوُلَ عَنْهُ
 وَلَا انْقِلَابَ. ٥٤

در فراز شهادت دعای عدیله کبیره آمده:

أَشْهَدُ لِمُنْعَمِي وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرِمِي كَمَا شَهِدْتُ لِدُنَاتِهِ وَشَهِدْتُ لَهُ
 الْمَلَائِكَةَ وَأَوْلُو الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ وَ الْإِحْسَانِ
 وَ الْكَرَمِ وَ الْإِمْتِنَانِ جَعَلْنَا مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ وَ أَفْضَلِ
 الْأَصْفِيَاءِ وَ أَعْلَى الْأَرْكَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ... وَ أَشْهَدُ
 أَنَّ الْأَيْمَةَ الْأَبْرَارَ وَ الْخُلَفَاءَ الْأَخْيَارَ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ عَلِيٍّ قَامِعِ الْكُفَّارِ
 وَ مِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ أَوْلَادِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ أَخُوهُ السَّبْطُ التَّابِعُ لِمَرْضَاةِ
 اللَّهِ الْحُسَيْنُ ثُمَّ الْعَابِدُ عَلِيُّ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرٌ ثُمَّ الْكَاطِمُ
 مُوسَى ثُمَّ الرَّضَا عَلِيُّ ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيُّ ثُمَّ الزَّكِيُّ
 الْعَسْكَرِيُّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ الْمَهْدِيُّ
 الْمُرْجِيُّ! ... ٥٥

بنابراین دعای اعتقاد و دعای عدیله کبیره، هیچ متن مشترکی با یکدیگر ندارند. در احادیث
 معصومان علیهم السلام دعاهایی برای تثبیت ایمان و در امان ماندن از عدیله هنگام مرگ وجود
 دارد. از این رو شایسته است که برای حفظ ایمان و در امان ماندن از سكرات و سختی‌های
 هنگام مرگ، به این دعاها که منتسب به معصوم بوده و احتمال اثرگذاری بیشتری دارد، رجوع
 شود.

٥٤. مهج الدعوات، ص ٢٣٤.

٥٥. مفاتیح الجنان، ص ٨٦.

نتیجه

متن دعای عدیله تنها در دو کتاب «مفتاح الجنان» و «مفاتیح الجنان» آمده است. نویسندگان این دو اثر هیچ اشاره‌ای به سند و انتساب آن به معصوم نکرده‌اند؛ بلکه شیخ عباس قمی به غیر مأثور بودن آن تصریح نموده است. اثری از این دعا در طول تاریخ، یافته نشده و از قرن یازدهم هجری، مطرح می‌شود. دعای عدیله، فرازهایی برگرفته از آیات و احادیث دارد که به نظر می‌رسد از سوی فردی آگاه به قرآن و حدیث، ساخته و در میان مردم، رواج یافته است. هرچند خواندن این دعا بدون انتساب به معصوم اشکالی ندارد ولی با توجه به متون مأثور از معصومان علیهم‌السلام برای تثبیت و تحکیم عقاید و نیز دعاهای رسیده از ایشان برای حال احتضار و تلقین و ... شاید نیازی به استفاده از متنی غیر مأثور نباشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دار القرآن الکریم، دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. الاعتقاد و الهدایة الی سبیل الرشاد، احمد بن حسین بیهقی، تحقیق احمد عصام الکتب، بیروت، دار الآفاق، اول، ۱۴۰۱ ق.
۳. اعیان الشیعة، سید محسن امین عاملی، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۶ ق.
۴. الاقبال بالاعمال الصالحة، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۹ ق.
۵. الامالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ ق.
۶. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۷. البلد الامین و الدرع الحصین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ ق.
۸. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۹. جنة الامان الواقیه (المصباح)، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، قم، دار الرضی، دوم، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. حلیة المتقین، محمد باقر مجلسی، قم، لقمان، اول، ۱۳۶۹ ش.
۱۱. الدعاء، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. الدعوات (سلوة الحزین)، قطب الدین راوندی، قم، مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، اول، ۱۴۰۷ ق.

۱۳. الدعوات الكبير، ابوبکر احمد بن حسين بيهقي، تحقيق بدر بن عبد الله البدر، كويت، غراس للنشر و التوزيع، اول، ۲۰۰۹م.
۱۴. دلائل الامامة، محمد بن جرير طبري، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، بعثت، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۵. الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ طهراني، قم، اسماعيليان، اول، ۱۴۰۸ق.
۱۶. رجال الطوسي، محمد بن حسن طوسي، تحقيق جواد قيومي، قم، جامعه مدرسين، سوم، ۱۳۷۳ش.
۱۷. رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم، جامعه مدرسين، ششم، ۱۳۶۵ش.
۱۸. روضة المتقين، محمد تقی مجلسي، تحقيق علي پناه اشتهاردی و حسين موسوی، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور، دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۹. زاد المعاد، محمد باقر مجلسي، تحقيق علاء الدين اعلمی، بيروت، مؤسسة الاعلمی، اول، ۱۴۲۳ق.
۲۰. سفينة البحار، عباس قمي، قم، اسوه، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۱. السنن الكبرى، احمد بن شعيب نسائي، تحقيق حسن عبد المنعم شلبي، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول، ۱۴۲۱ق.
۲۲. الشافي في شرح الكافي، خليل بن غازي قزويني، تحقيق محمد حسين درايتي، قم، دار الحديث، اول، ۱۴۲۹ق.
۲۳. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۲۴. العروة الوثقى، محمد كاظم طباطبائي يزدی، تحقيق مؤسسه نشر اسلامي، قم، جامعه مدرسين، اول، ۱۴۱۷ق.
۲۵. عمل اليوم و الليلة، احمد بن شعيب نسائي، تحقيق فاروق حمادة، بيروت، مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۶. العين، خليل بن احمد فراهيدي، قم، هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۷. الفتن، نعيم بن حماد، تحقيق سمير امين الزهيري، قاهره، مكتبة التوحيد، اول، ۱۴۱۲ق.
۲۸. فهرس التراث، سيد محمد حسين حسيني جلالی، قم، دليل ما، اول، ۱۴۲۲ق.
۲۹. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق علي اكبر غفاري و محمد آخوندی، تهران، دار الكتب الاسلاميه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۰. كتاب الطهارة، سيد ابوالقاسم موسوی خويي، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، دوم، بی تا.
۳۱. كنز العمال، متقی هندی، تحقيق بكری حیانی، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول، ۱۴۰۹ق.
۳۲. الكنى و اللقب، عباس قمي، تهران، مكتبة الصدر، بی تا.
۳۳. كشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و الاسفار، سيد اعجاز حسين نيشابوري، قم، بهمن، دوم، ۱۴۰۹ق.

۳۴. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، اسلامية، دوم، ۱۳۹۵ق.
۳۵. مجمع البحرين، فخر الدین بن محمد طریحی، تحقيق احمد حسینی اشكوری، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۶. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
۳۷. المستدرک على الصحیحین، حاکم نیشابوری، تحقيق يوسف عبد الرحمن مرعشلی، بیروت، دار المعرفة، اول، بی تا.
۳۸. مسند احمد، احمد بن حنبل، تحقيق شعيب ارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، اول، ۱۴۲۱ق.
۳۹. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، اول، ۱۴۱۱ق.
۴۰. المصباح المنیر، احمد بن محمد فیومی، قم، دار الهجرة، دوم، ۱۴۱۴ق.
۴۱. المصنّف، ابوبکر بن ابی شیبہ، تحقيق کمال يوسف حوت، رياض، مكتبة الرشد، اول، ۱۴۰۹ق.
۴۲. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانی، تحقيق حمدي عبد المجيد سلفی، قاهره، مكتبة ابن تيميه، دوم، بی تا.
۴۳. مفاتيح الجنان، عباس قمی، قم، آئين دانش، ششم، ۱۳۹۰ش.
۴۴. مفتاح الجنان، اسد الله تهرانی، تحقيق علاء الدين اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، اول، ۱۴۲۳ق.
۴۵. مفتاح الفلاح فی عمل اليوم و اللیلة، محمد بن حسین (شیخ بهائی)، بیروت، نشر دار الاضواء، اول، ۱۴۰۵ق.
۴۶. ملاذ الاخير، محمد باقر مجلسی، تحقيق سيد مهدي رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۰۶ق.
۴۷. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی ابن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۸. منتهی المقال، محمد بن اسماعیل مازندرانی، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۱۶ق.
۴۹. مهج الدعوات و منهج العبادات، علی بن موسی ابن طاووس، تحقيق ابوطالب کرمان و محمد حسن محرر، قم، دار الذخائر، اول، ۱۴۱۱ق.
۵۰. الميزان فی تفسیر القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، قم، اسماعيليان، دوم، ۱۳۷۱ش.
۵۱. النّهاية فی غريب الحديث و الاثر، ابن اثير جزري، تحقيق محمود محمد طناحي، قم، اسماعيليان، چهارم، ۱۳۶۷ش.
۵۲. الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصبي، بيروت، مؤسسه البلاغ، چهارم، ۱۴۱۱ق.